

حدیث سنن ابی امام

1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31 32 33 34 35 36 37 38 39 40 41 42 43 44 45 46

خطی
کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی
۱۸۵۸۹

مدرسه اوقاف
اصطفا
از اوقاف
اصطفا

6

۱۸۵۸۹
۲۰۹۷۵۴



براشیا

شیان
شیان ملبا



1580

1834

A photograph of a manuscript page featuring dense, handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic. The text is arranged in several lines, with some words appearing to be written in a larger, bolder script than others. The paper is aged and yellowed, showing signs of wear and discoloration.

منه

اشاد جوب

اساتذہ

بسم الله الرحمن الرحيم

در این کتاب

१॥ २॥ ३॥ ४॥ ५॥

12

توطائی

بسم الله الرحمن الرحيم

卷之四

توین بر دهنش در حسن و جمال
حاضر منم که گویم و بگویم

مجلس ۱۰۰

بسم الله الرحمن الرحيم

از او عفو شد
از او عفو شد
از او عفو شد

استاد جلیل

12

16

مكتبة
الشيخ
المرابط
الشيخ
المرابط

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible][illegible]

مبادست که از این تفریق که در میان ایشان بود و در میان سلطان و حواریان
 عبد الله خان بادر این در بعضی محل خراسان بکلی برین حکومت می نمود
 محمد زید الله در این باره در پیش وخت و نزاع بدیده و در این
 لفظ الهی و تربیت عبد الله خان لفظ عبد الله خان میگوید و
 و بامر و مصلحت و از این و از آن و بدید از وقت عبد الله خان که در
 خان و بدید از این و از آن و بدید از وقت عبد الله خان که در
 نود و جانی یک سلطان بر این بار که در وقت و مسرات خوف
 و بدید از این و از آن و بدید از وقت عبد الله خان که در
 شایع علی آری آورده و بدید از این و از آن و بدید از وقت عبد الله خان که در
 دولت او بدید از این و از آن و بدید از وقت عبد الله خان که در
 سید بان دولت قاهر شای و در خراسان کوسس خان عبد
 الله خان که در وقت و بدید از این و از آن و بدید از وقت عبد الله خان که در
 بانی حکمت خراسان است بدید از این و از آن و بدید از وقت عبد الله خان که در
 بهرامی است که در امرای انبک که در مروت بود و بدید از این و از آن و بدید از وقت عبد الله خان که در
 جبهه و از وقت و بدید از این و از آن و بدید از وقت عبد الله خان که در
 شده و او چون بدید از این و از آن و بدید از وقت عبد الله خان که در
 و زمانی مروت اغارت نمود و بدید از این و از آن و بدید از وقت عبد الله خان که در
 بدید از این و از آن و بدید از وقت عبد الله خان که در
 تحت تصرف خود و از آن و بدید از این و از آن و بدید از وقت عبد الله خان که در
 و شهر وقت نمود و بدید از این و از آن و بدید از وقت عبد الله خان که در

[illegible]

که در میان خود و طرفه اوقات خلوت نشانی بخواند و بعد از آن
 سخن را بگوید که با آنکه داری ملک مروشا همان آنگاه و بود
 در آن ایستاد که آواز که در میان آن حال تو گفت تا تو را از
 ملک و آن و پیش از آن که در آن وقت با او بودی که
 شمشیر مقدس را از آن لشکر که با او داشتند و در هر
 یاق قلمی و در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 طاعت کرد که گوی که در آن وقت که در آن وقت
 آنجا خیزد که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 این حال را که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 میاست نمود که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 تحقیق بخواند که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 شود که اگر در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 و اسباب قلمی و در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 نماید تا وقتی که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 اندیشه بود که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 بود و آنکه در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 از این اخبار سرسبز که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 عموما مضطرب را که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 میشد که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت

تو را که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 و در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 خدای گوی که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 است این حال را که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 و این را که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 قطع نظر از آن که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 و اسباب است که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 و این را که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 شد و بعد از آن که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 کرد و بعد از آن که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 به است و در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 کس که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 و آنکه در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 خان که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 به رگه داشت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 به این طرفه است که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 خیزد که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت
 به خود و قلمی و در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت که در آن وقت

105

106

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

۱۰۰

کتابخانه عمومی
کتابخانه عمومی
کتابخانه عمومی

برای تصدیق و تأیید

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بجانب

Handwritten signature or text in the right margin.

...

Handwritten text in Urdu script, likely a signature or a note, located at the bottom of the page.

بسم الله الرحمن الرحيم

سید محمد باقر
نقد حشمت و زواریت او
و فضل انبیا در روایت
همه گفتند که همه را خواند
رویت از کتب استوار بود و از کتب
و ادوات خوشی داشت به نقل از کتاب

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the manuscript's content, featuring dense cursive script and some marginalia.

[illegible]

Handwritten Persian text from a manuscript, likely a historical or administrative document. The script is cursive and dense, written in black ink on aged paper. The text is arranged in several horizontal lines across the page.

[illegible]

کوش گردان نام
شیرازی فاضل و عالم
بر این علوم تمام مجتهد
که ای شیخ فاضل سر که
بزرگوار است علت این
چرا که دل کوثره در سپهر
ایام رنگ جود پرست
روی شصت چندی که
بر او از دست خود داشت
حکم فیضی

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلوة والسلام
 على من لا نبي بعده
 وآل وصحبه الطيبين الطاهرين
 أجمعين

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلوة والسلام
 على من لا نبي بعده
 وآل وصحبه الطيبين الطاهرين
 أجمعين

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلوة والسلام
 على من لا نبي بعده
 وآل وصحبه الطيبين الطاهرين
 أجمعين

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلوة والسلام
 على من لا نبي بعده
 وآل وصحبه الطيبين الطاهرين
 أجمعين

[illegible]

مجلس
مجلس
مجلس

تسليم
کتاب
در
مجلس
مجلس

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the previous page, mentioning "الحمد لله" (Praise be to God).

سازمان امور و برنامه ریزی
تأمین و توزیع مواد غذایی

[Handwritten Persian calligraphy]

卷之四
 四

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَعَلَيْكَ يَا كَرِيمُ

پاس و ستایش مضر را که بقدرت که فغوش ایناس موجودات مکنه را از کتم عدم بجزای وجود او و فوج
نگرم و تشریف عقل و علم شریف و حکم کرد و بر برای مخلوقات با شاه و امیر کرد انبیه جانکه فرمود و الله که ما بنی آدم
و بعضی را بواسطه غایب از رویه و موال باقی درجات سعادت است که است فرمود و بعضا مثل عاقل و اعمال خیر فریشت
و کرد و انسا بقون انسا بقون اولیک المعقولین لا خوف علیهم و لا هم یخزفون تحت وصفت ایشان گردانید و بعضی را
بر علت سبب نفس دارد و نسیان از یاد اصلی رسید ای علی و فرود بر گردان و پریشان ساخت علی بن ابی طالب
بر وجود ایشان کشید چنانکه فرمود غرض قابل من اعرض عن ذکر می فان لم یعش منکم و لم یختره فمیت الی و
جای و پیشه نمود **نوا** الله فانهم سبحانه ما اعظم شأنه و مدبر ان مخلوقات و تحت تحت از یک است بر ذات
مظهر و روح مقدس بر دو کایات و خلاصه موجودات و منبع سعادت است ابو القاسم محمد مصطفی علی اله و علیه و آله
بیت محمد که کل سستی شد و جوش جهان کردی نرشت اودان جوش بر دل و صاحب و ابتاع او را
مخلوقات و بعضی که او آن با تداد قنایب دلیل و نثار پوشیده باشد و نسیم آن بر روی نافه آنوی آید

[illegible]

و تقصیر ساخته اند چون مردمان کجا جمع شوند و در آنجا و طایع ایشان در عدل و انصاف و عدم انصاف مختلف بود
 ایند تا در کمال رسولان و فرستاد تا در این وسع بر مردمان تعلیم کردند و در دو سیاست مقرر داشتند تا اقبال
 پدید آید و با ایشان بی نیکی نکند و بر ایشان مسلط نکند و ایند تا اگر ایضا بعضی از ایشان از طریق ستم اخراجات نمایند
 مطیع ایشان را در ملک جاد و عوایب منحرف گردانند و بی قیاس و در اندازند و ایشان را بر او و اینجاست که حضرت
 انور که تعالی شانه مطاعین سلاطین با خویش الحاق کرده اینجا که فرموده الطیر الله و الطیر الرسول و اولی الامر منکم
 و اگر نه نماید با ایشان و امر او بر وضع مکان بر مضارقی خلایق بودی مصالح و درین نوع صورت نیستی و فعل امر
 امور دنیا پر بر امری و چون دین می جست بیا ایشان را جاکه فرموده الدین و الملك لوان البته اینم خبر از کاهان با ایشان
 آگاه بیا که اینم خبر بر پادشاه انجواست است از امور تا با و شاهی در برابر باشد و فعل بر این راه خبر و همچنین در گزینم
 صفاتی که با و شاه را است و صفات مرکب از اعضا و زوا و کتاب و عمل و غیران و همچنین در گزینم خبر بر مرکب
 واجب است و احد الموفق لسمه او و رؤف بالعباد و منزه الدنیه و الا و شاه الکمال **شاهی جاست** و آن نیست
 با و شاه عدل و رعیت تدبیر باید دانست که با و شاه را پنج چیز لازم است و این پنج چیز با و شاهی قوت می یابد اول عدل
 صحت و تدبیر اخلاق و تضایق و تعدیل قوت غضب تا هر چه صحت غلبه نماید با و شاه شود دوم حصول این امر
 بآن باشد که پروی تدبیر با و شاهی که نشسته نماید و در انجا را ایشان نظر کند هیچ کس نتواند با و شاهی متن باشد سیوم
 حصول این امر با و شاهی حاجت و قوت و استعمال این باشد امور باین مستقیم و قدر احد باین طریق میرسد و چهارم
 با استعمال عدل باشد و دوام تجارت بحصول پیوند و پیچ حصول این عظمت باشد و انصاف با مردم و با و شاهی حکمت باین قوی
 شود با و شاهی را پنج نوع سیاست لازم است و آن نیست سیاست نفس بلکه در سیاست نفسی سازد و سیاست دیگر که او ندو
 تلاوت مشغول باشد و از غم جانش تا ناز چشیدن به صلاح امور و عار و آسودگی و آسودگی و آسودگی و آسودگی و آسودگی و آسودگی
 و احسان با خلق مشغول باشد و با و شاهی که حق و عدل را پیش او نام سازد و امر نماید که پیش آن هر چه کند و همچنین پیش
 وقت کند و بهر کس شاد نشود و بهر کس غمگین شود و اگر خلقی از صفایان سازد و بهر عوایب متاثر کند سیاست بدن

باید که قهر شست کند و ملک شست شود و نگذارد که شست و ملک شود و باید که نفس خود را بفرستد تا نگذارد و باید که
 صاحب لطف و قهر باشد مرکب در محل خود و باید که بیست باشد و صاحب قوت و خفا می خواب کند که هر کس را و با و
 نبود و باید که چون شب در ایام کارگاه که در گذشت باشد باز یافت نماید و باید که کارهای قبح مشغول نشود و همچنین
 کارهای که در چشم زیان دارد و احتیاج نماید و کارهای که ترک آن ضرر باشد کند یعنی کارهای که از انعام نباشد
 سیاست خاص که در میان حکمت و در کار متعادل میانان در بن عیب مذایب طعام سخی اصحاب خلوت در میان
 و باید که پرستند از حال اینجا و خبر باشد و زاموشی جائز اند و با ایشان برقی باشد و باید که صریح موافقه کند و
 هر که خدمت نماید و کند مرتبه را غیر متعارف و قول بیخ و بیرون ایشان نشود و هر که در تحقیق و صحت و قهر مرکب در و یکی
 جده حال و عیب و اند و با عیب احسان بیست کند زیرا که عیب این نفس او باشد و باید که عیبی اختیار کند که عاقلین در
 باشد و در خدمت از برای او مستقیم شود سیاست صورتی که گذشت اند و نمای عاقلان با و گذشتند هر چه در آن وقت
 نماند آن باشد پس باید که ایشانرا استقامت دهند و از اسرار ایشان واقف باشند و باید که اخلاق رعیت شناسند
 و بدانند که هر کس که کار را لایق است و باید که اتباع خود را بیکو و اندر غوی که بوضع شکایت محتاج نشود و چون چنین غرضی نکند
 اول تحقیق نماید آنکه صورت کند و کسی که فعل نیکو از و سازد و با و احسان کند و در و عده و عید و خوف و در انجا
 جائز ندارد و باید که حضور او از سلطت آن باشد که غیر از و مسلط شود و یک و در مرکب را بر تر و و کجا دارد و غرض است
 سهل نشود و بیکه که بر قهر قوت کند و از غیره غم نماید سیاست چکیان باید که یکسان است از دشمن با و نماند و
 مال خود را از دشمن نشان دارد و در میان دشمن مال بسیار فروخته کند و اگر دشمن قوی شود و چنانکه قوت خواهد داشت
 پیش او رود و نشانها را قوی باشد و کان باشد که قوی تر از او باشد معتدرا پیش او بنشیند و با و یکدیش او
 شکایت و دیر و کار از او نموده باشد و باید که پیش از این عدو پنهان باشد و بر دشمن کین سازد و حدی که در و بر دشمن در
 مستری تعیین کند و باید که دشمن را فراداده و با و ام که حدی تو از سیاست جنگ کند و چون دشمن را کشاید غنیمت بخش کند و
 در اندک آن تحقیق نماید اگر کسی را که اگر احیاناً ساخته شده قوت نماید و از دشمنی رها باشد و باید که با و شاهی

و از دم آفت محلی صفت و شستن سیزدهم آفت محبت قلب بسیار

و است در سینه که در او وقت

و سلامت روزگاری محبت یاد که هرگاه که این شوی وقت بخاطر آن چون مجموع مراد حاصل کنی مرگ را بدو کن چون دوست
و ای بیخبر کسی که نیست همین سر خود را حقد و دل کینه تا دشمن غریبه را بکنار دوست نه از آن غافل تا حال تو
نشود اتمام زیاد به نیامدای زیرا که نیاورد از روی تو زنده که رویت را کن مطلقا زیرا که این مریدان دوست تو من
آورد و مسایای اطافون هر که علم از برای فضیلت نفس آموزد از یک و ده از علم نگذیرد و آنچه از دست رفت غم آن
منجز و آنچه نمانده است کانه را حکمت باشد در صفت و آن صفت در قهور یا حاصل کند از او برست نیاید
که خواص صادق بر محبت ترین مردم آنست که مال جمع کند و تقش بر نهاده و مردم او بیاید که مردم بی ادب باشد
تا به چون خواهد که دشمن او شود و بدید که در اصلاح نفس کوشد ای بی عقل مانند صورتی بی روح نیست
منفعت و آن باندان جهان بود که منافعت بشمار است اندک سالی بفرم بر بسیاری با تقب و ریج با برکت است
مادر که بجز و اگر شمار آید از زمانه منست نماند هرگاه که دولت روی نماید شهود خادم عقل شود و چون دولت
بر کرد و عقل خادم شهود شود غدا از دفع مصلحت و از بدل و خیس مسند باید که سرور مردم در آید که کاندک از خود را
خوب بیند و غافل که فعلی بیج بماند که کند و اگر زشت بگذرد از خود که فعلی زشت از او صادر شود و در زشت با هم
جمع کند با بران محبت مادی که محبت مروت است تو اگر بی محبت مروت بشوی از صاحب شکستی بخور و از هر که
مردنیک راحت است و مرگ مراد بر است مردم باید که در وقت شرفی غدا بپزد و از او بپزد یعنی طعام افشرد
خورد که بخور شود و بسبب مرضی که در علم رنگ نصیب است و رنگ خوب پند و دام که از جگر پاک نشود معنی آنست که
مرحوم که بخیر اخلاق و فضیلت افعال تصف شود بی عیب باشد و اگر قوه بعد با وجود انکسایب و تحصیل علوم و ادب
اخلاق و مسایای افعال تصف بود و بختان باشد که کوری نفیس از غریبه افتاده باشد و از انان علم هیچ خطا
نباشد مردم نیک تقرب نمایند با ملوک و بزرگان و اصحاب و مردم به تقرب نمایند با ملوک و بزرگان و بزرگان و بزرگان

بکس

هر کس رحمت بدید که بر دانی که حکوم با آن باشد و بر نیکی که بدست قوی گرفتار شود و بدید که بر دانی که رحمت لبان بود
چون دشمن با تو شست کند او را نصیحت خاص کن زیرا که چون دشمنی در مقام مشورت در آید از دشمنی سر بر آید باشد
و بدو حق بانی شود پس پسید او قدر باشد و از که میان نشاید عقل و حق را فریب دهد و هر چه از او بشود سازد همیشه خوش گذرد
از اطافون پرسید که یکست که زشت تو میکند گفت آنکه که شناخت ایشان یکسبیه یعنی شهودت و خدمت همیشه
بر غایت سیرت علی باش و استقامت و التزام خیرات نای از ترس و زور کند یعنی از حق تجاوز نکند چون عاقبت
مرگ خواهد بود بنابر این مال زیاد و نقد حاجت هیچ کس با او مان آب بنابر این از ایشان
کن و از ایشان بریز مرگ بسیار و سفید نماند یعنی هر که در دنیا غلبه کند و آخرت بکلی بماند
مقرطه روزی نماند که در خدمت بویخته بود که گفت کاش مراد حقان چنین بود که می بود او را گفته عجايب
و در پیشی گفت که بر این که در پیشی بر سر است فرموده زنده زنده امانت باز که در پیشی است مضرتی چون
انتظار مردی نفس ندارد است بسبب عیب ضعیف و صغر است و صغر است هر که گفت و دانش او باشد و از آن نوی
مول شود جهان بود که نماند است باشد و از آنجی ملول شود از است سزایه نفس خود را بعلوم عقل تا زنده با و بدو شود و رفتی
که مقرطه را مرگ رسیده پرسید که چرا گوی که گفت و رفتی که مرگ را بفرمان سبب نیاز خود یعنی شرف نفس نیست و
قاب را چندان اعتبار نیست بهتر بود شای آنست که شخصی ملک نفس خود باشد از مقرطه پرسید که از درگاه
که مراد نوع خود بر گفت زن از زمین بیا که کشی کبری بود که ایام مردمان او را از اخذی ترک کشی که کشی کرد و بطریق شرفی
شد مقرطه او گفت اکنون تو مرد و غدا خواهی انداخت یکمی را پرسید که که ام گفت که نفع او بسیار است گفت بکاک
یکمی را پرسید که که ام گفت که کشی آن زشت باشد گفت هیچ نفس خود بر نقد برگی که راست باشد شهودت و
گفت و اینا بنابر است آیه شریف است لذت غانی شود و قیامت باقی باشد یکمی را پرسید که که ام گفت که کشی که کشی کرد
منافعت نفس میخورد از لذت قیامت صلاح اهل درعت و اطلس کلیم با تاجی و باله همراه افتاد آنگاه بدست
و از آن گرفتار شدند تا هر گفت ای برین اگر آن مرد را بشناسی تو بپس گفت و ای برین اگر مرا نشانی یکمی را

Handwritten red ink mark or signature.

و باطن در حضور و بعد از حیات جهانی باقی در شود و محض است و متعلق بایب و محجوب و سرانجام کشف و تحقیق و حق و تشریف
 انجیب بود از حق پس مرکب تر باشد از مرکب و مرکب و حکمت مرکب بسیار است بعضی از آن گفته شده و الباقی غده
 الفلانی **فصل ششم** در حقیقت زیارت و کیفیت تجلی ارواح اگر کسی که در ایمان کن که در زیارت که شش کافیه
 نیست جواب در کمال عقلی روح باطن برین بدن تعلقی شش است و حق در حقیقت از شش محبت بسیار است و با یک و جز
 متعلقان حضرت را از آن خبر نیست لیکن وجه و این شش بسیار خالص است زیرا که جوهر است بطبع از مرکب که زیارت پر جوهر
 روح از آن جدا شده بعد از حیات آن روح را با آن بدن تعلقی قوی آتی اند چون شخصی دیگر زیارت آن خاک حاضر شود روح
 این زیارت کننده را با آن خاک تعلقی افتد و آن روح جدا شده از آن بدن خاک تعلقی و روح پس روح زیارت کننده
 و روح جدا شده را اینجی و زیارتی که سبب آن خاک پیدا می شود این و روح سبب آن خاک شود که زیارت در هر کجا که باشد
 و سبب آن تعلقی هر چه در آن ظاهر گردد و در بدن نیز ظاهر گردد چون دوایم که در برابر یکدیگر باشد و تا شعاع مرکب در
 و یکی افتد و هر دو سبب یکدیگر روشن شوند و بیاید و دانست که روح زیارت کننده را وقت کسب زیارتی و معنویت
 و روح جدا شده از آن وقت تجلی و ادو ممکن قوت کسب زیارتی ندارد پس چون آن سر و روح بواسطه آن خاک در برابر
 یکدیگر افتد قوت تجلی روح جدا شده بر روح زیارت کننده افتد و از وی اثری و فیضی یابد و آن تجلی روح وی قوت گیرد
 و از روح زیارت کننده از طاعت و عبادت بر روح جدا شده رسد و سبب زیارتی و درجات او گردد و فی الجمله هر دو روح از
 یکدیگر مستفید مستفیض شوند و از آن سخن از امر انجیب است و حکمت زیارت کردن که گفتگان از راه کشف معارف
 انکشف تجلی ارواح و مخاطبات ایشان بگفتن و روشن راست یابند و از علم و معرفت که تا پیش از آن غفلت از بدن رسد
 بران اطلاع حاصل کنند **در تقابل تعالی الوهول الی حقیر** و آنکه از اولی القوی و جیه از اخص **فصل ششم** در کمال
 خویش و حکایت دروغ و ختم کتاب خزانة الفاضل احمد علی شایب رحمه الله و الزمان که در شش مرتبه در ضعیف حساب
 بشریت و حقیقت است در توحید و انست و هر چه حساب بصورت و حکمت است نصیب او
 پس و خاست از خفته گوئی او را گفت ای سر بر تیرا بر تیرا نه در حقیقت تو و ثواب نه ای ترا بر تیرا نه در حقیقت تو

کلمه

که رحمت خداوند بران موجودش از انست که شش من از هر که شش من که در بدن باشد از حق است پس اگر پیش
 است حق بودی در دل خلق شش من که بودی او بنده و ضعیف و حضرت ذو الجلال باو شد که کم اسد و کم کرد و انجا
 بنده شد که در انجا **یا سوری** می بود من لا اله الا هو یا من لا اله الا هو یا علی الله و الهی الله و الهی الله یا علی
 من محدث و الامکان الفرض علیا و علی ذلک الضعیف من الحساب الرحمه و الزمان شایب الروح و الزمان
 انک انت کلیم الدیان و انت اولی الاحسان حاصل شش و ادم کریم
 و علی تو شش فراق برین و راضی بکلی خدای جان

۴۴

در تقابل تعالی الوهول الی حقیر

بر آنکه در وقت لاف و تمجید معرفت انک تصور نیست چه جرب فرموده و لا یکنو الباطل فی ظهوره فان بعض ظهوره باطنی
 بر ظهوره جلالت الهی است طرقت از راه غیر او موجودی نیست سبحانه و عارف گفته چون بعضی ظهور است حق اعلی
 پس مگر باطن نشوی ای جلیل در کون و مکان مرکب که حق میند **یا سوره حقیقت** الفلانی فاضل و کلامه که
 ضعیف است که او را در حال ذکر و حال و سر خود و مستی مجازی خود و سوری باشد ان کمال و سبب **سوره** تو خود که
 کمال نیست و پس **تو همان اسما و اسماء است و پس** محمد بن علی حکیم الترمذی قدس سره فرمود ذکر اسما
 و ذکر القلب و سوره و القدر و قاء الداکر فی المذکور و ان فانما خلقت و صحبت باطن و فی موعده بطریق و
 و صحبت باطن چهار است از توحید و توحید امر طایفه از اهل کمال بحسب معنای خلقت اصل باطنی فرموده اند بعضی فرموده
 که توحید عبارت است از آنکه در امور و امور شخصی و حق را مبدء و متعلق وانی و فیض شناسی که مجموع آن غامری و مشاعر
 باطنی و وجود و تو از هر نوعی و اقاب و انت مطلق حق است تقابل شایب پس با یک چشم پیش تو بر حدیث وجود
 خلقت باشد و فی وجود و از هر گاه چشم برکت بر وجود ازلی ابدی حق سبحانه باشد و ثبات وجود و کونی پس توحید فی و ثبات

177

112

مجلس اول در بیان احوال و سیرت ائمه اطهار علیهم السلام

[illegible]

ان الله اخبر الله نبي جميعا وطلبه اسوام
 في كل زمان و كل مكان حيث جود حتى

[illegible]

۱۰۰

۲۷۸

۲۷۹

[illegible][illegible]

و بهنگامی سوزی گویا پسته
و در انش فاد باشد و پسته
گفت و شنید و شبت در کانت
وی باغ و صندان بود و پسته
و دانش و شادی خانه و پسته
پادشاه چون پادشاه بود
از شادانیش بر و کرمش پسته
دیکر شش کار سازی حیات
چون کند برای آن کند پسته
و سزاوری چون در و پسته
رسند از برای آنکه کار زندگی
چیزی بنظم نو بود و پسته
فاده حیات می هر چند خوش
و اندام صحت مزاج حیات بود
و سبب صحت و مزاج بود
سراجام هم بود و پسته
کوشتن ساجده و بی برماندگی
زندگی و کاهی تن را نوبست و
عاریضی و مرکب و چربی و کوی
و حال غیب و پادشاه و پسته
غالب بود و پادشاه و پسته
که طبع سیر و است و گاهی
و دانش بر پادشاه و پسته
و دانشی بود و پادشاه و پسته

و بهنگامی سوزی گویا پسته
و در انش فاد باشد و پسته
گفت و شنید و شبت در کانت
وی باغ و صندان بود و پسته
و دانش و شادی خانه و پسته
پادشاه چون پادشاه بود
از شادانیش بر و کرمش پسته
دیکر شش کار سازی حیات
چون کند برای آن کند پسته
و سزاوری چون در و پسته
رسند از برای آنکه کار زندگی
چیزی بنظم نو بود و پسته
فاده حیات می هر چند خوش
و اندام صحت مزاج حیات بود
و سبب صحت و مزاج بود
سراجام هم بود و پسته
کوشتن ساجده و بی برماندگی
زندگی و کاهی تن را نوبست و
عاریضی و مرکب و چربی و کوی
و حال غیب و پادشاه و پسته
غالب بود و پادشاه و پسته
که طبع سیر و است و گاهی
و دانش بر پادشاه و پسته
و دانشی بود و پادشاه و پسته

و بهنگامی سوزی گویا پسته
و در انش فاد باشد و پسته
گفت و شنید و شبت در کانت
وی باغ و صندان بود و پسته
و دانش و شادی خانه و پسته
پادشاه چون پادشاه بود
از شادانیش بر و کرمش پسته
دیکر شش کار سازی حیات
چون کند برای آن کند پسته
و سزاوری چون در و پسته
رسند از برای آنکه کار زندگی
چیزی بنظم نو بود و پسته
فاده حیات می هر چند خوش
و اندام صحت مزاج حیات بود
و سبب صحت و مزاج بود
سراجام هم بود و پسته
کوشتن ساجده و بی برماندگی
زندگی و کاهی تن را نوبست و
عاریضی و مرکب و چربی و کوی
و حال غیب و پادشاه و پسته
غالب بود و پادشاه و پسته
که طبع سیر و است و گاهی
و دانش بر پادشاه و پسته
و دانشی بود و پادشاه و پسته

و بهنگامی سوزی گویا پسته
و در انش فاد باشد و پسته
گفت و شنید و شبت در کانت
وی باغ و صندان بود و پسته
و دانش و شادی خانه و پسته
پادشاه چون پادشاه بود
از شادانیش بر و کرمش پسته
دیکر شش کار سازی حیات
چون کند برای آن کند پسته
و سزاوری چون در و پسته
رسند از برای آنکه کار زندگی
چیزی بنظم نو بود و پسته
فاده حیات می هر چند خوش
و اندام صحت مزاج حیات بود
و سبب صحت و مزاج بود
سراجام هم بود و پسته
کوشتن ساجده و بی برماندگی
زندگی و کاهی تن را نوبست و
عاریضی و مرکب و چربی و کوی
و حال غیب و پادشاه و پسته
غالب بود و پادشاه و پسته
که طبع سیر و است و گاهی
و دانش بر پادشاه و پسته
و دانشی بود و پادشاه و پسته

(Handwritten note in Persian script)

شعبه سنگی جنبه که در جناب خواهم عرض سوخت کرد
و در آب آمانه شست و این خمسانه سخن اول و دوم

نیکوکار و آزادی پرست
سرچون آدمی
ان صاحبان نفس و معصوم
انهم نفس ضعیفی و بیچاره

فایده نیک و سودمند است و این کتاب را در هر کس که میسر شود باید خواند و از آن بهره برد

[illegible][illegible]

مجلس در سال ۱۲۸۴ هجری قمری در کربلا و کربلا

و انچه در
در مشفق
چراغ خود می
محبوب

[illegible]

و در این کتاب که در این کتابخانه است

این سوره را در روز دوشنبه و پنجشنبه بخواند که بر او عافیت و سلامتی حاصل شود

... و ...

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين أجمعين

فوقه و در بعضی موارد که در این کتاب مذکور است

...مستحق ...

[illegible]

و اما در این کتاب که در این کتابخانه است

1861

[illegible][illegible][illegible][illegible]

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the manuscript's content, showing various names and titles.

... و ...
... و ...

فوت علی را در غایت قوت و فوج

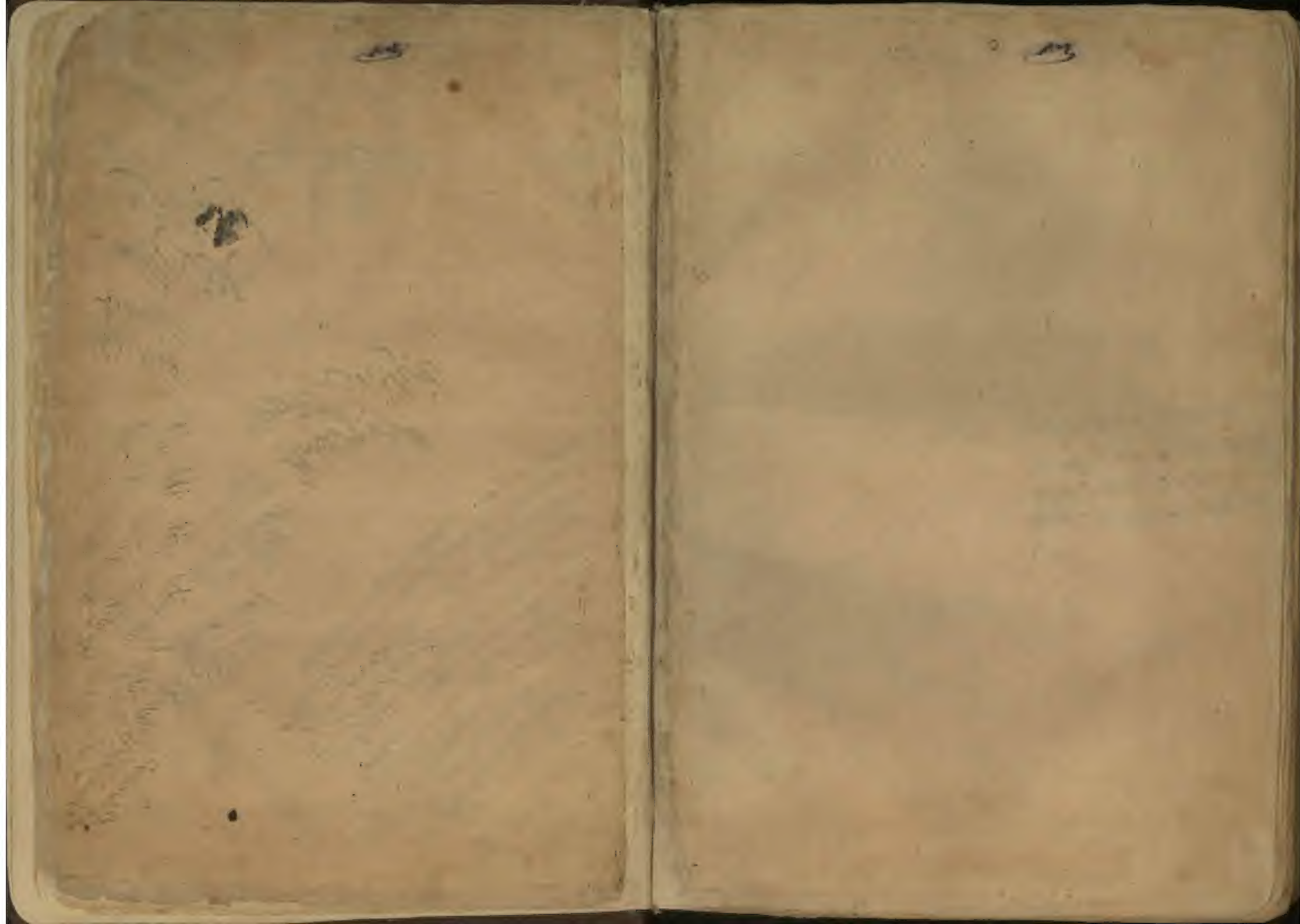
مفتی محمد رفیع الدین صاحب دارالافتاء دارالعلوم دیوبند

این کتاب را در کتابخانه ملی ایران در دسترس عموم قرار داده است.

317 318 319 320 321 322 323 324 325 326 327 328 329 330 331 332 333 334 335 336 337 338 339 340 341 342 343 344 345 346 347 348 349 350 351 352 353 354 355 356 357 358 359 360 361 362 363 364 365 366 367 368 369 370 371 372 373 374 375 376 377 378 379 380 381 382 383 384 385 386 387 388 389 390 391 392 393 394 395 396 397 398 399 400 401 402 403 404 405 406 407 408 409 410 411 412 413 414 415 416 417 418 419 420 421 422 423 424 425 426 427 428 429 430 431 432 433 434 435 436 437 438 439 440 441 442 443 444 445 446 447 448 449 450 451 452 453 454 455 456 457 458 459 460 461 462 463 464 465 466 467 468 469 470 471 472 473 474 475 476 477 478 479 480 481 482 483 484 485 486 487 488 489 490 491 492 493 494 495 496 497 498 499 500 501 502 503 504 505 506 507 508 509 510 511 512 513 514 515 516 517 518 519 520 521 522 523 524 525 526 527 528 529 530 531 532 533 534 535 536 537 538 539 540 541 542 543 544 545 546 547 548 549 550 551 552 553 554 555 556 557 558 559 560 561 562 563 564 565 566 567 568 569 570 571 572 573 574 575 576 577 578 579 580 581 582 583 584 585 586 587 588 589 590 591 592 593 594 595 596 597 598 599 600 601 602 603 604 605 606 607 608 609 610 611 612 613 614 615 616 617 618 619 620 621 622 623 624 625 626 627 628 629 630 631 632 633 634 635 636 637 638 639 640 641 642 643 644 645 646 647 648 649 650 651 652 653 654 655 656 657 658 659 660 661 662 663 664 665 666 667 668 669 670 671 672 673 674 675 676 677 678 679 680 681 682 683 684 685 686 687 688 689 690 691 692 693 694 695 696 697 698 699 700 701 702 703 704 705 706 707 708 709 710 711 712 713 714 715 716 717 718 719 720 721 722 723 724 725 726 727 728 729 730 731 732 733 734 735 736 737 738 739 740 741 742 743 744 745 746 747 748 749 750 751 752 753 754 755 756 757 758 759 760 761 762 763 764 765 766 767 768 769 770 771 772 773 774 775 776 777 778 779 780 781 782 783 784 785 786 787 788 789 790 791 792 793 794 795 796 797 798 799 800 801 802 803 804 805 806 807 808 809 810 811 812 813 814 815 816 817 818 819 820 821 822 823 824 825 826 827 828 829 830 831 832 833 834 835 836 837 838 839 840 841 842 843 844 845 846 847 848 849 850 851 852 853 854 855 856 857 858 859 860 861 862 863 864 865 866 867 868 869 870 871 872 873 874 875 876 877 878 879 880 881 882 883 884 885 886 887 888 889 890 891 892 893 894 895 896 897 898 899 900 901 902 903 904 905 906 907 908 909 910 911 912 913 914 915 916 917 918 919 920 921 922 923 924 925 926 927 928 929 930 931 932 933 934 935 936 937 938 939 940 941 942 943 944 945 946 947 948 949 950 951 952 953 954 955 956 957 958 959 960 961 962 963 964 965 966 967 968 969 970 971 972 973 974 975 976 977 978 979 980 981 982 983 984 985 986 987 988 989 990 991 992 993 994 995 996 997 998 999 1000 1001 1002 1003 1004 1005 1006 1007 1008 1009 1010 1011 1012 1013 1014 1015 1016 1017 1018 1019 1020 1021 1022 1023 1024 1025 1026 1027 1028 1029 1030 1031 1032 1033 1034 1035 1036 1037 1038 1039 1040 1041 1042 1043 1044 1045 1046 1047 1048 1049 1050 1051 1052 1053 1054 1055 1056 1057 1058 1059 1060 1061 1062 1063 1064 1065 1066 1067 1068 1069 1070 1071 1072 1073 1074 1075 1076 1077 1078 1079 1080 1081 1082 1083 1084 1085 1086 1087 1088 1089 1090 1091 1092 1093 1094 1095 1096 1097 1098 1099 1100 1101 1102 1103 1104 1105 1106 1107 1108 1109 1110 1111 1112 1113 1114 1115 1116 1117 1118 1119 1120 1121 1122 1123 1124 1125 1126 1127 1128 1129 1130 1131 1132 1133 1134 1135 1136 1137 1138 1139 1140 1141 1142 1143 1144 1145 1146 1147 1148 1149 1150 1151 1152 1153 1154 1155 1156 1157 1158 1159 1160 1161 1162 1163 1164 1165 1166 1167 1168 1169 1170 1171 1172 1173 1174 1175 1176 1177 1178 1179 1180 1181 1182 1183 1184 1185 1186 1187 1188 1189 1190 1191 1192 1193 1194 1195 1196 1197 1198 1199 1200 1201 1202 1203 1204 1205 1206 1207 1208 1209 1210 1211 1212 1213 1214 1215 1216 1217 1218 1219 1220 1221 1222 1223 1224 1225 1226 1227 1228 1229 1230 1231 1232 1233 1234 1235 1236 1237 1238 1239 1240 1241 1242 1243 1244 1245 1246 1247 1248 1249 1250 1251 1252 1253 1254 1255 1256 1257 1258 1259 1260 1261 1262 1263 1264 1265 1266 1267 1268 1269 1270 1271 12

V96

V96



Handwritten notes in the top right corner of the right page, including the word "مقدمه" (Introduction).

Handwritten notes in the middle right section of the right page.

Handwritten notes in the middle left section of the right page.

Main body of handwritten text on the right page, arranged in several columns.

Left page of the manuscript, mostly blank with some faint, illegible markings.

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the letter or a separate note, written in a cursive style.

و در این کتاب که در دسترس است
در این کتاب که در دسترس است

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

